

مقایسه مهارت های حرفه ای استادان رشته های علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه های آزاد اسلامی استان مازندران

محمد حاجی زاد^{۱*}، محمد صالحی^۲

(۱) استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نکا، نکا، ایران

(۲) دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ساری، ایران

* نویسنده مسئول: hajizad@iauneka.ac.ir

تاریخ پذیرش مقاله ۹۰/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت مقاله ۹۰/۰۱/۲۹

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و مقایسه مهارت های حرفه ای استادان رشته های علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه های آزاد اسلامی استان مازندران می باشد و روش انجام پژوهش زمینه یابی است و جامعه آماری کلیه استادان شاغل به تدریس در رشته های علوم انسانی و علوم پایه در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به تعداد ۱۵۳۰ نفر و دانشجویان نیز ۵۳۰۰۰ نفر که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان ۱۰۰ نفر از هر دو گروه به عنوان نمونه و با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. در این تحقیق از ابزار پرسشنامه محقق ساخته (خود سنجی استادان) و نظر دانشجویان (حاوی ۲۵ سؤال با مقیاس لیکرت) استفاده شده است. برای روایی از نظر متخصصان علوم تربیتی و برای پایایی از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که ۰/۷۸ به دست آمد. داده ها در دو سطح توصیفی (با استفاده از جداول توزیع فراوانی، درصد، میانگین) و استنباطی (با استفاده از آزمون T و با نرم افزار Spss) مورد توصیف و تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ نتایج کلی تحقیق بیانگر این است که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در رشته های علوم انسانی و علوم پایه در آزمون خود سنجی یکسان است، اما با توجه به سطح معنی داری از نظر دانشجویان ($Sig = 0/04 < 0/05$) نتیجه گرفته می شود که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است.

کلید واژه گان: مهارت های حرفه ای استادان، علوم انسانی، علوم پایه، دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

ایجاد مهارت، آموزش های عینی^۲ و استفاده از الگوهای مشاهده ای^۳ است، افزایش مهارت های حرفه ای استادان به عنوان یکی از مؤلفه های تأثیرگذار در نظام آموزش و پرورش محسوب می گردد (معمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۶). در دنیای امروز، حجم، تنوع و عمق توقعات و انتظارات مرتبط با نظام آموزش عالی آن چنان است که نظام مذکور، با شرایط، امکانات، روش ها و نیروی انسانی فعلی به هیچ وجه نمی تواند از عهده رسالت خود برآید. نظام آموزش عالی باید متحول شود و تغییراتی بنیادین و اساسی در آن به وجود آید (پرداختچی، ۱۳۷۴، ص ۱۹). به اعتقاد و باور بسیاری از متخصصان و

نظام آموزش عالی^۱ در هر کشور مسئولیت خطیری در امر شکوفایی استعدادها و توانایی های نسل کنونی و آتی آن کشور دارد به همین منظور آموزش عالی باید پرورش دهنده ی انسان های نوین باشد، انسان هایی تغییرپذیر، واقع گرا و دارای مهارت و برنامه ریزی، از آنجا که کسب مهارت در افراد از طرق مختلف (نظیر آموزش های مستقیم، حضوری و مشاهده ...) صورت می گیرد و یکی از مهمترین روش های

²- Training objective

³- Patterns observed

¹- Higher education system

سواد خواندن پرلز^۹ دریافت که استادان از مهارت‌های حرفه ای لازم برخوردار نیستند و در این زمینه کاستی‌ها و نارسایی‌های جدی وجود دارد که در ناکارآمدی آنها و عملکرد تحصیلی دانش آموزان نقش تعیین کننده ای ایفا می‌کند. نتایج پژوهشی دایی زاده (۱۳۸۵) بیانگر این است که میزان شناخت معلمان دوره متوسطه از مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری در حد پایین‌تر از متوسط بود. همچنین نتایج تحقیق مرزوقی (۱۳۸۵) نیز حاکی از عدم آشنایی استادان با به کارگیری نرم‌افزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات^{۱۰} است. نتایج تحقیق حاجی‌زاد (۱۳۹۰) نشان داده که معلمان از مهارت‌های حرفه‌ای لازم برخوردار نیستند و عمده‌ترین یافته‌های پژوهشی این است که میزان آگاهی استادان از مهارت‌های حرفه‌ای در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است. نتایج تحقیقات مارکز^{۱۱} (۲۰۰۶) پیرامون بررسی عوامل موثر بر ویژگیهای استادان مطلوب صورت گرفته با استفاده از روش تحلیل مسیر مشخص شده است که عوامل آموزشی و سواد اطلاعاتی استادان یکی از مهمترین عوامل موثر بر ویژگیهای حرفه ای استادان تأثیر دارد. کاردینالز^{۱۲} (۲۰۰۷)، و ریچاردسون^{۱۳} (۲۰۰۸) که با استفاده از روش آماری تحلیل عاملی و تحلیل عامل اکتشافی انجام شده است نیز بیانگر آن است که ویژگیهای آموزشی و مهارتی استادان پایین می باشد. و از دیدگاه دانشجویان یک استاد باید مهارت‌های آموزشی حرفه ای به ویژه استفاده از تکنولوژی آموزشی و وسایل کمک آموزشی و اهداف آموزشی و کاربرد درست ارزیابی را آگاهی داشته باشد. یافته‌های پژوهشی ساکا^{۱۴} (۲۰۰۹) با عنوان دیدگاه دانشجویان طرح معلمی در مورد تأثیر تمرین مدرسه ای بر توسعه مهارت‌های حرفه ای نتایج نشان داده است که برای توسعه مهارت‌های حرفه ای آگاهی از روشهای تدریس

دست اندرکاران تعلیم و تربیت، یادگیری مهارت‌های حرفه ای از جایگاه ویژه ای برخوردار است، تا آنجایی که مدرسی که به اندازه کافی مهارت‌های تدریس را تجربه نکرده باشد مدرس بدون صلاحیت خواننده می شود (رؤوف، ۱۳۸۰، ص ۲۲) از نظر رؤوف، مهارت‌های حرفه ای معلم، لازم‌ترین و ضروری‌ترین نیاز اوست. هر نوع بی توجهی در به دست آوردن این مهارت‌ها، عدم موجودیت شغلی و حرفه ای او را به اثبات می رساند و خط بطلان روی مهارت او می کشد (رؤوف، ۱۳۸۰، ص ۴۲). از آنجا که مدرس به عنوان عنصر بی بدیل در نظام های آموزش و پرورش با داشتن مهارت‌های حرفه ای بازیگر اصلی جهت تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت محسوب می شود و برای انجام درست وظایف خود نیازمند داشتن نگرش، دانش و مهارت در عملیاتی کردن وظایف شغلی از جمله روشهای تدریس^۴، طراحی آموزشی^۵، استفاده از تکنولوژی آموزشی^۶ و شیوه‌های ارزشیابی^۷ است که در این تحقیق آن را مهارت‌های حرفه ای^۸ می نامیم (معمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۰). نتایج تحقیق دانش پژوه (۱۳۸۲) نشان داد که مهارت عمومی استادان دوره ابتدایی از دید استادان (خود سنجی) و مشاهده گران از حداقل ملاک تعیین شده (۶۰ درصد مهارت‌های عمومی) بالاتر است. تحقیق ادیب نیا (۱۳۸۳) نیز نشان داد که استادان بر اجرای روشهای تدریس فعال تسلط ندارند و نمی‌توانند در کلاس به واسطه تعامل و ارتباط عاطفی اجرای روش تدوین فعالی داشته باشند چون آگاهی آنها در زمینه شیوه‌های جدید آموزش کم می‌باشد. نتایج تحقیقات تاجیک (۱۳۸۳) و آبیاری (۱۳۸۴) بیانگر این است که بیشتر استادان از اصول یادگیری و طراحی آموزشی اطلاع کافی ندارند. کریمی (۱۳۸۴) با توجه به یافته‌های مطالعه بین المللی پیشرفت

9- Pirls

10 -Information Technology

11 -Markers

12- Cardinals

13- Richardson

14 -Saka

4- Teaching Method

5- Instructional design

6- Educational technology

7- Evaluation method

8 -Professional Skills

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است و روش آن زمینه یابی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه استادان شاغل به تدریس در رشته های علوم انسانی و علوم پایه در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ به تعداد ۱۵۳۰ نفر و دانشجویان نیز ۵۳۰۰۰ نفر که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان تعداد ۱۰۰ نفر از هر دو گروه بعنوان نمونه و با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، در این پژوهش از روش کتابخانه ای و میدانی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته ارزشیابی مهارت های حرفه ای استادان با استفاده از روش های (خودسنجی و نظر دانشجویان) مهارت های حرفه ای استادان مورد ارزیابی قرار گرفته است. برای روایی ابزار تحقیق از نظرات متخصصان علوم تربیتی و برای پایایی از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، که ۰/۷۸ بدست آمده و برای توصیف و تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از دو شیوه آماری توصیفی (جدول، فراوانی، درصد، نمودار) و در بخش آمار استنباطی از (آزمون T مستقل) برای سؤالات ۱ تا ۵ جهت بررسی تفاوت داده ها و مقایسه میانگین بین دو گروه انجام شده است.

یافته های پژوهش

سؤال ۱: آیا میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟

در یک مدل آموزشی طراحی شده بسیار مهم و ضروری است و دانشجویان طرح معلمی باید بتوانند از ابزار و وسایل آموزشی و کمک آموزشی استفاده کنند و همچنین یافته ها آموزش های قبل از خدمت و ضمن خدمت را در توسعه مهارت های حرفه ای معلمان بسیار موثر نشان داده است.

لذا با توجه به مطالبی که بیان شد اهمیت مسأله بررسی و مقایسه مهارت های حرفه ای استادان رشته های علوم انسانی و علوم پایه دانشگاه های آزاد اسلامی استان مازندران می باشد به منظور رسیدن به چنین هدفی سؤال های زیر در این تحقیق مطرح می باشد:

۱- آیا میزان آگاهی استادان رشته های علوم انسانی و علوم پایه از مهارت های حرفه ای متفاوت است؟

۲- آیا میزان مهارت استادان در اجرای روش های تدریس رشته های علوم انسانی و علوم پایه متفاوت است؟

۳- آیا میزان مهارت استادان در استفاده از تکنولوژی آموزشی در رشته های علوم انسانی و علوم پایه متفاوت است؟

۴- آیا میزان مهارت استادان در اجرای طراحی آموزشی در رشته های علوم انسانی و علوم پایه متفاوت است؟

۵- آیا میزان مهارت استادان در اجرای ارزشیابی در رشته های علوم انسانی و علوم پایه متفاوت است؟

جدول ۱. مقایسه میانگین مهارت های حرفه ای استادان

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	t	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۱۰۱	۱۹۸	۲/۳۴	۰/۱۸
	علوم انسانی	۱۰۰	۱۰۲			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۷۷	۱۹۸	۱/۷	۰/۰۴
	علوم انسانی	۱۰۰	۷۸			

سطح معنی داری از نظر دانشجویان ($Sig = 0/04 < 0/05$) نتیجه گرفته می شود که میزان آگاهی استادان از مهارتهای حرفه ای در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است.

سؤال ۲: آیا میزان آگاهی استادان از روشهای تدریس در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟

اطلاعات بدست آمده از جدول مؤید آن است که میزان آگاهی استادان از مهارتهای حرفه ای از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط می باشد و با توجه به سطح معناداری (در آزمون خودسنجی $0/018$) که بزرگتر از $0/05$ می باشد میزان آگاهی استادان در دو گروه علوم پایه و علوم انسانی یکسان است، اما با توجه به

جدول ۲. مقایسه میانگین میزان آگاهی استادان از روشهای تدریس

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	t	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۲۹	۱۹۸	۲/۳۰	۰/۶۴
	علوم انسانی	۱۰۰	۲۹			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۲۴	۱۹۸	۰/۴۶	۰/۰۲
	علوم انسانی	۱۰۰	۲۶			

داری آزمون از نظر دانشجویان ($Sig = 0/02 < 0/05$) نتیجه گرفته می شود که میزان آگاهی استادان در اجرای روش های تدریس در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است.

سؤال ۳: آیا میزان آگاهی استادان در استفاده از تکنولوژی آموزشی در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟

اطلاعات بدست آمده از جدول نشان دهنده آن است که میزان آگاهی استادان از روشهای تدریس از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط می باشد و با توجه به سطح معناداری در آزمون خودسنجی $0/064$ ، که بزرگتر از $0/05$ می باشد میزان آگاهی در هر دو گروه در آزمون خودسنجی یکسان است. اما با توجه به سطح معنی

جدول ۳. مقایسه میانگین استفاده از تکنولوژی آموزشی

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	t	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۱۸	۱۹۸	۱/۹۸	۰/۶۴
	علوم انسانی	۱۰۰	۱۸			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۱۰	۱۹۸	۰/۰۵	۰/۰۳
	علوم انسانی	۱۰۰	۹			

خودسنجی برابر است با $0/64$ ، که بزرگتر از $0/05$ می باشد بنابراین میزان آگاهی در هر دو گروه یکسان می باشد. اما با توجه به سطح معنی داری آزمون از نظر دانشجویان ($Sig = 0/03 < 0/05$) نتیجه گرفته می شود که میزان

اطلاعات بدست آمده از جدول مؤید آن است که میزان آگاهی استادان از تکنولوژی آموزشی از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد کم و خیلی کم می باشد و با توجه به سطح معناداری (در آزمون

آگاهی استادان در استفاده از تکنولوژی آموزشی در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است. **سؤال ۴:** آیا میزان آگاهی استادان در اجرای طراحی آموزشی در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟

جدول ۴. مقایسه میانگین اجرای طراحی آموزشی

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	t	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۲۸	۱۹۸	۲/۰۵	۰/۲۹
	علوم انسانی	۱۰۰	۲۸			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۲۱	۱۹۸	۱/۰۶	۰/۰۴
	علوم انسانی	۱۰۰	۱۸			

یکسان می باشد. اما با توجه به سطح معنی داری آزمون از نظر دانشجویان ($\text{Sig} = ۰/۰۴ < ۰/۰۵$) نتیجه گرفته می شود که بین میزان آگاهی استادان در اجرای طراحی آموزشی در رشته های علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است.

سؤال ۵: آیا میزان آگاهی استادان در اجرای ارزشیابی در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است؟

اطلاعات بدست آمده از جدول مؤید آن است که میزان آگاهی استادان در اجرای طراحی آموزشی از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط و کم می باشد و با توجه به سطح معناداری در آزمون خودسنجی برابر است با ۰/۲۹، که بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین میزان آگاهی در هر دو گروه در آزمون خودسنجی

جدول ۵. مقایسه میانگین اجرای ارزشیابی در دروس علوم پایه و علوم انسانی

گروه	نوع رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	t	سطح معنی داری
استادان	علوم پایه	۱۰۰	۲۴	۱۹۸	۲/۲۷	۰/۱۸
	علوم انسانی	۱۰۰	۲۶			
دانشجویان	علوم پایه	۱۰۰	۲۰	۱۹۸	۱/۳۳	۰/۰۲
	علوم انسانی	۱۰۰	۱۹			

تدریس در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است. همچنین تحقیق ادیب نیا (۱۳۸۳) نیز نشان داد که استادان بر اجرای روشهای تدریس فعال تسلط ندارند و نمی-توانند در کلاس به واسطه تعامل و ارتباط عاطفی اجرای روش تدوین فعالی داشته باشند چون آگاهی آنها در زمینه شیوه‌های جدید آموزش کم می‌باشد که نتیجه حاضر همسان است.

۳- نتایج بدست آمده از تحقیق مؤید آن است که میزان آگاهی استادان از استفاده از تکنولوژی آموزشی از نظر خودسنجی در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد کم و خیلی کم می‌باشد و همچنین یافته‌ها بدست آمده ($\text{sig}=0/03 < 0/05$) نیز نشان داده است که میزان آگاهی استادان در استفاده از تکنولوژی آموزشی در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است یافته این تحقیق با نتایج تحقیق مرزوقی و همکاران (۱۳۸۵) که حاکی از عدم آشنایی استادان با به کارگیری نرم‌افزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات نیستند همسان است.

۴- یافته‌های بدست آمده از تحقیق حاضر بیانگر آن است که میزان آگاهی استادان از طراحی آموزشی از دید خودشان (خودسنجی) در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد زیاد و متوسط می‌باشد که با توجه به سطح معنی‌داری ($\text{sig}=0/04 < 0/05$) میزان آگاهی استادان در اجرای طراحی آموزشی در دروس علوم پایه و علوم انسانی یکسان است. نتایج تحقیقات تاجیک (۱۳۸۳) و آبیاری (۱۳۸۴) بیانگر اینست که بیشتر استادان از اصول یادگیری و طراحی آموزشی اطلاع کافی ندارند.

اطلاعات بدست آمده از جدول بیانگر آن است که میزان آگاهی استادان از ارزشیابی از دید خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط و کم می‌باشد و با توجه به سطح معناداری در آزمون خودسنجی برابر است با ۰/۱۸، که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین میزان آگاهی در دو گروه علوم پایه و علوم انسانی تفاوت وجود ندارد. اما با توجه به سطح معنی‌داری آزمون از نظر دانشجویان ($\text{Sig} = 0/02 < 0/05$) نتیجه می‌گیریم که بین میزان آگاهی استادان در اجرای ارزشیابی در رشته‌های علوم پایه و علوم انسانی تفاوت وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

۱- نتایج بدست آمده از تحقیق مؤید آن است که به طور کلی میزان آگاهی استادان از مهارتهای حرفه‌ای از دید خودشان (خودسنجی) در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از دید دانشجویان در حد متوسط می‌باشد. همچنین بررسی یافته‌های پژوهش ($\text{sig}=0/04 < 0/05$) نشان داد که میزان آگاهی استادان از مهارتهای حرفه‌ای در دو گروه علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است که این نتیجه با نتایج پژوهشهای حاجی‌زاد (۱۳۹۰) و دانش‌پژوه (۱۳۸۲) همسان است و براساس یافته‌های پژوهشهای مذکور بسیاری از استادان از مهارتهای حرفه‌ای لازم برخوردار نیستند و مهارتهای حرفه‌ای آنان در سطح پایینی قرار دهد.

۲- داده‌های پژوهش نشان دهنده آن است که میزان آگاهی استادان از روشهای تدریس از نظر خودسنجی در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از نظر دانشجویان در حد متوسط می‌باشد و همچنین نتایج پژوهش ($\text{sig}=0/02 < 0/05$) نشان داد که میزان آگاهی استادان از روشهای

۵- یافته های پژوهش نشان می دهد که میزان آگاهی استادان از ارزشیابی از نظر خودشان در حد خیلی زیاد و زیاد ولی از نظر دانشجویان در حد متوسط و کم می باشد و همچنین یافته های پژوهش ($0/05 < sig = 0/02$) نشان داد که میزان آگاهی استادان از مهارت های حرفه ای در دروس علوم پایه و علوم انسانی متفاوت است که نتیجه این تحقیق با نتایج پژوهش دایی زاده (۱۳۸۵) هماهنگی و تطابق دارد.

پیشنهاد های کاربردی

۱- از آنجائیکه در حال حاضر ارزشیابی مناسبی از میزان آگاهی استادان در زمینه مهارت های حرفه ای آنان بعمل نمی آید و استادان با اطلاعات زمان تحصیل خود و تجربیاتی که دارند به حرفه مدرسی مشغول فعالیت می باشند این موضوع خود باعث بی توجهی آنان به مطالعه و افزایش دانش و آگاهی های مورد نیاز شده است . پیشنهاد می گردد که معاونت آموزشی جهت ارتقای دانش استادان برنامه ریزی مناسب در طول سال تحصیلی و ایام تابستان برای استادان در زمینه مذکور برنامه ریزی و اجرا نماید.

۲- با توجه به اینکه استادان جهت رشد و پیشرفت درس دانشجویان نیاز به آگاهی در زمینه روش های جدید تدریس دارند و یافته های تحقیق نیز نشان داد که در این زمینه در سطح متوسطی قرار دارند لذا پیشنهاد می گردد که کارگاه های آموزشی از طریق آموزش ضمن خدمت و براساس نیازسنجی علمی جهت آگاه کردن استادان با روش های جدید آموزشی و متناسب کردن برنامه ها با نیازها و شرایط و امکانات صورت گیرد.

۳- پیشنهاد می گردد که مدارس باید به وسایل آزمایشگاهی (نرم افزارها- سخت افزارهای آموزشی و فیلم های کمک آموزشی) تجهیز شوند و استادان بویژه در دروس علوم پایه با کاربرد ابزار و فناوری های جدید آشنا شوند تا ضمن دوری از روش های سنتی تدریس موجبات برابری شرایط آموزشی را در مناطق مختلف سبب شود.

۴- با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده روزآمد و بمنظور متناسب نمودن برنامه ها با نیازها و شرایط و امکانات طراحی و اجرا شود و در برنامه ریزی های آموزشی و ضمن خدمت به نیازهای ملی و پیشرفتهای علمی توجه شود و بکارگیری روش های آموزش از راه دور از طریق نشریات، کتابها و فیلم های آموزشی روزآمد شده، اینترنت و فنون IT با آخرین دستاوردهای علمی در اختیار دانشگاهها قرار گیرد.

۵- پیشنهاد می گردد که تحقیق در عمل بعنوان روش موفقیت آمیز برای آمیختن عمل تدریس با تفکر و بمنزله رویکردی جدید در تحقیقات آموزشی و برنامه های درس تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت استادان به خاطر ویژگیها و حساس آن بطور روزافزونی جهت ارتقای کیفیت علمی تربیتی و افزایش کارایی استادان بکار گرفته شود.

منابع

- ادیب نیا، اسدالله. (۱۳۸۳). بررسی موانع اجرای روش های تدریس فعال در مدارس ابتدایی شهر تهران. *موسسه پژوهش برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی*. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.

- آبیاری، شهناز. (۱۳۸۴). *مطالعه عوامل موثر بر کارایی استادان در تدریس از دیدگاه مدیران و دبیران مدارس ایلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیام نور. تهران.
- پرداختچی، محمد. (۱۳۷۴). *مدیریت آموزشی بعنوان قلمروی حرفه‌ای. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*. سال چهارم. شماره ۱.
- تاجیک، عزیزالله. (۱۳۸۳). *عملکرد استادان پایه پنجم ابتدایی با توجه به میزان آگاهی آنان از اهدافی روش تدریس مهارت‌های تدریس - کاربرد مواد آموزشی - روش ارزشیابی و کیفیت سوال‌های امتحانی در درس تعلیمات اجتماعی*. پایان‌نامه دکتری دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، تربیت معلم.
- حاجی‌زاد، محمد. (۱۳۹۰). *بررسی و مقایسه مهارت‌های حرفه‌ای معلمان دروس علوم پایه و علوم انسانی دوره راهنمایی شهرستان بهشهر به منظور ارائه روش‌های ارتقاء کیفی این مهارت‌ها*. پایان‌نامه دکتری علوم تربیتی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- دایی‌زاده، حسین جان. (۱۳۸۵). *بررسی میزان آشنایی استادان دوره متوسطه با مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول یادگیری*. پایان‌نامه دکتری برنامه‌ریزی درسی. دانشگاه علوم تحقیقات تهران.
- دانش‌پژوه، زهرا. (۱۳۸۲). *ارزشیابی مهارت‌های حرفه‌ای استادان علوم و ریاضی در دوره راهنمایی و ارابه روش‌های ارتقاء کیفی آن*. موسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.
- رؤوف، علی. (۱۳۸۰). *بررسی جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم*. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- رؤوف، علی. (۱۳۸۰). *یاد دادن برای یادگرفتن*. انتشارات مدرسه. تهران. چاپ دوم.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۴). *بررسی نتایج مطالعه بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن (Pirls)*. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۱. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۵). *کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش ضمن خدمت استادان ابتدایی: رویکردی نو به آموزش حرفه‌ای استادان*. *مجموعه مقالات همایش نوآوری در برنامه‌های درسی دوره ابتدایی*. دانشگاه شیراز اسفند ماه.
- معتمدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). *الگوهای نوین تدریس*. انتشارات رشد اندیشه. چاپ اول.
- Cardinals, k. (2007). The master typical characteristic: *the journal of psychoeducational*.
- Markers, A. (2006). identifying master characteristic: *the journal of psychology* , 78 , 22 .4
- Richardson, K. (2008). The standpoint collegian aground master characteristic *The Journal of curriculum*, 26, 39 - 40.
- Saka, A. Arzu.saka. (2009). *Student teachers, Views about effects of school practice on development of their professional skills*. procedia School and Behavioral sciences.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 2, No. 2, summer 2011, No 6

Survey and Comparison of the professional skills of professors of human sciences Basic Science, Islamic Azad University, Mazandaran Province

Mohammad Hajizad^{1*}, Mohammad Salehi²

- 1) Assistant professor. Islamic Azad University, Neka Branch, Neka, Iran
- 2) Associate professor. Islamic Azad University, Sari Branch, Sari. Iran

* Corresponding author: hajizad@iauneka.ac.ir

Abstract

The purpose of this Survey and Comparison of the professional skills of professors of human sciences Basic Science, Islamic Azad University, Mazandaran Province is Methods research field is a community of Statistical all teachers employed to teach Courses humanities sciences based on academic year 89-90 to number of the 53,000 people in 1530 professors 100 Student's samples are selected by simple random sampling method. In this study the questionnaire instrument (survey their teachers) students (containing 25 questions with Likert scale) were used. Data are described and analyzed in 2 levels, descriptive (by using frequency distribution, percent, and average) and inferential (by using T). the results of the overall research indicates that awareness masters of professional skills in the sciences Human Science Foundation in its survey is the same test, but given the significant level of students (Sig = 0 / 04 < 0 / 05) can be concluded that awareness Azmharthay professional masters courses in basic sciences and the humanities differ is.

Key words: faculty professional skills, humanities, basic science, Azad University, Mazandaran province
